

The impact of second Karabakh War on Iran's security environment

Abstract:

Introduction: In recent years, stability in the security environment of the Central Asia and Caucasus region has faced increasing challenges. The nationalistic tendencies and the intervention existence of crises in this region and internal challenges, the weakness of the nation-building government and the entry of foreign powers have made the security environment of the region complex. In such an atmosphere of cooperation and competition, the of actors outside the region is one of the influential components in the security environment of this region, which can play a positive or negative role in the stability of the region. The South Caucasus region is one of the important and strategic regions of the world and the meeting point of different religions, cultures and civilizations, and it is the main route for the transmission of Caspian energy to Europe and due to this and its strategic position, this region is always the focus of attention and competition of regional and transregional powers, and these competitions have led to relatively stable crises and conflicts in it. The South Caucasus region is undergoing crises and conflicts that have continued for many years. The collapse of the Soviet Union provided the possibility of direct communication with the countries located in the Caucasus. After the formation of the countries of the Caucasus region, Iran identified these countries and established diplomatic relations with them. South Caucasus has always been of special importance in terms of geopolitics and the collapse of the Soviet Union and the geopolitical changes in the Caucasus region were the factors that made the geopolitical factors of this region more important and influential. Considering Iran's neighborhood and historical and cultural commonality with this region, the geopolitical factors of the Caucasus can be seen as influencing the national security of the Islamic Republic of Iran. The role of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus is important both in terms of contributing to the stability of this region and in terms of Iran's security and interests. Since any instability in the Caucasus is a threat to Iran's national security, this region is of special importance for Iran. After the collapse of the Soviet Union, the South Caucasus region, due to its visible geostrategic features, becomes an arena of conflict between various economic and political actors, and this competition always witnesses the continuation of crises in the region. We have been their solution. The South Caucasus region is a region whose mastery is important due to its very important location and in this way, we are witnessing the presence of regional and transregional powers in the South Caucasus and the competition between these powers in this region. With the presence of regional and transregional powers in this region and in line with the competition between them, there has been a situation of neither peace nor war in the region and it has led to the continuation of the crisis. The competition of these powers has led to regional divergence rather than convergence in the region. In recent developments in this region, the triangle of Azerbaijan, Turkey and Israel was formed to create geopolitical changes to the detriment of Iran and this issue created opportunities for these countries. In the 44-day war between Azerbaijan and Armenia, which led to the signing of an agreement between these two countries with Russia's activism, Turkey and Israel sided with Azerbaijan with military support and were able to strengthen their position in this region and Azerbaijan was able to win over Armenia with the help and support of Turkey and Israel and regain some of its occupied lands. Research question: How has the second Karabakh war affected Iran's security environment? Research hypothesis: The presence of regional and transregional actors and sometimes with conflicting interests in the Second Karabakh War caused the continuation of the crisis, and the impact of this model based on the continuation of the crisis will make Iran's peripheral environment in the South Caucasus more secure and remain secure. Methodology and Theoretical Framework: This article is a qualitative research method and a case study based on the framework of Brecher's crisis model theory and using library sources and articles. Result and discussion: Due to its continuation, the recent crisis will have effects on the countries of the region, especially on Iran, which the Caucasus region is located in its security periphery, and this situation will prevent economic and political integration in the region and will also prevent the pursuit of Iran's interests in the region. Conclusion: Considering the competition of regional and extra-regional powers and pursuing their interests in the South Caucasus region, the developments in Karabakh in 2020 will not be the last developments in this region, and this region is always pregnant with incidents and crises that Iran must maintain its role and The neutral policy, but more actively than in the past, should play a role in resolving the disputes between Armenia and Azerbaijan in the South Caucasus region, so that in the future, in the event of conflicts and conflicts, the security stability of the region and the border stability of Iran will not be endangered, and by establishing a mechanism and independent work to correct past unsuccessful experiences.

Keywords: Crisis, regional competitions, security environment, geopolitics, South Caucasus, Islamic Republic of Iran.

تأثیر جنگ دوم قره باغ بر محیط پیرامونی امنیتی ایران

چکیده:

در سالهای اخیر ثبات در محیط امنیتی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، با چالشهای فزاینده ای روبرو بوده است. گرایش های ملی گرایانه، وجود بحرانها، چالشهای داخلی، ضعف در دولت ملت سازی و ورود بازیگران خارجی، محیط امنیتی آن را با پیچیدگی هایی روبرو کرده است. فروپاشی شوروی و تغییرات ژئوپولیتیک صورت گرفته در منطقه قفقاز، عواملی هستند که باعث اهمیت و تاثیرگذاری بیشتر عوامل ژئوپولیتیک این منطقه شده اند. با توجه به همسایگی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی ایران با این منطقه و اثرگذاری تغییرات ژئوپولیتیکی بحران اخیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرسش اصلی این است که جنگ دوم قره باغ بر محیط پیرامونی امنیتی ایران چه تاثیری گذاشته است؟ فرضیه اصلی مقاله چنین است که حضور بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و بعضاً دارای منافع متعارض در جنگ دوم قره باغ موجب تداوم بحران گشته و تاثیر این الگو مبتنی بر تداوم بحران، باعث امنیتی شدن و امنیتی ماندن محیط پیرامونی ایران در قفقاز جنوبی خواهد بود. این نوشتار براساس روش پژوهش کیفی و از نوع مطالعه موردی مبتنی بر چهارچوب نظری مدل بحران برچر انجام شده است و به این نتیجه رسیده ایم که بحران اخیر به دلیل تداوم، آثاری بر کشورهای منطقه به ویژه بر ایران، که منطقه قفقاز در محیط پیرامونی امنیتی آن قرار دارد، خواهد داشت و این وضعیت مانع از همبودگی اقتصادی و سیاسی در منطقه گشته و برای پیگیری منافع ایران در منطقه محذوریت ایجاد خواهد کرد.

کلید واژه ها: بحران، رقابت های منطقه ای، محیط امنیتی، ژئوپولیتیک، قفقاز جنوبی، جمهوری اسلامی ایران.

قفقاز جنوبی از مناطق مهم و استراتژیک جهان و کانون تلاقی ادیان، فرهنگها و تمدنهای مختلف است و مسیر اصلی انتقال انرژی خزر به اروپاست و با توجه به موقعیت استراتژیک آن، همواره کانون توجه و رقابت بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای بوده که این رقابتها منجر به بروز بحرانها و منازعات نسبتاً پایدار در آن شده است. در سالهای اخیر ثبات در محیط امنیتی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، همواره با پیچیدگی ها و چالش های فزاینده ای روبرو بوده است. در چنین فضایی همکاریها و رقابتها، مداخله بازیگران خارج از منطقه از مولفه های تاثیرگذار در محیط امنیتی این منطقه است که میتوانند نقشی مثبت یا منفی در ثبات منطقه داشته باشند. فروپاشی شوروی با شکل گیری جمهوریهای مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان همراه بود که این مرزبندی جدید با چالشهایی روبرو بود، خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی موجب شد منطقه ای با ساختار آناشیک شکل گیرد تنوع اقوام و مذاهب و تنوع زبانی در این منطقه و مرزبندی های تحمیلی و ناهمخوان با این تکتور قومی، دینی و زبانی و عدم تکامل فرآیند دولت - ملت سازی منطقه را با چالش هایی روبرو کرد که نتیجه آن جنگهای منطقه است. پس از فروپاشی شوروی، منطقه قفقاز جنوبی به دلیل ویژگیهای ژئواستراتژیکی قابل ملاحظه، به عرصه تقابل منافع متفاوت و اغلب متضاد اقتصادی و سیاسی بازیگران مختلف تبدیل شد که براساس این رقابتها همواره شاهد تداوم بحرانها در منطقه به جای حل و فصل آنها بوده ایم. قفقاز جنوبی به لحاظ ژئوپولیتیک همواره از اهمیتی خاص برخوردار بوده و فروپاشی شوروی و تغییرات ژئوپولیتیک صورت گرفته در این منطقه، عاملی بود که باعث اهمیت و تاثیرگذاری بیشتر عوامل ژئوپولیتیک این منطقه گردید.

فروپاشی شوروی امکان ارتباط مستقیم با کشورهای واقع در قفقاز را فراهم کرد. پس از تشکیل این کشورها، ایران اقدام به شناسایی و برقراری روابط دیپلماتیک با آنها نمود. نظر به مجاورت و اشتراکات تاریخی و فرهنگی ایران با این منطقه، عوامل ژئوپولیتیک قفقاز جنوبی، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار است. نقش ایران در قفقاز هم از جهت کمک به ثبات منطقه و نیز از جهت امنیت و منافع ایران اهمیت دارد. از آنجا که هرگونه بی ثباتی در قفقاز، تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است این منطقه از اهمیت ویژه ای برای ایران برخوردار است. منطقه قفقاز جنوبی دارای اهمیت استراتژیک برای ایران می باشد و در حوزه تمدنی ایران قرار می گیرد و هرگونه تغییر میتواند بر امنیت ایران تاثیرگذار باشد و تحولات اخیر موجب شد تا آرامنه بخش بزرگی از مرز خود با ایران را از دست بدهند و نیروها و تجهیزات اسرائیل در جوار مرزهای ایران مستقر شوند. روابط خوب جمهوری آذربایجان با اسرائیل برای مقامات ایرانی نگران کننده است. همچنین تحولات اخیر در مرز جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر تبادلات تجاری ایران تاثیرگذار است. از آنجا که هرگونه بی ثباتی در قفقاز، تهدیدی علیه امنیت ملی ایران است این منطقه از اهمیت ویژه ای برای ایران برخوردار است از این رو ایران بایستی با حفظ نقش و سیاست بی طرفانه اما فعال تر از پیش در حل منازعه میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان اقدام نماید تا ضمن بهره مندی از فرصتهای موجود در منطقه ثبات مرزی ایران را حفظ نماید. بنابراین با توجه به تداوم بحران در منطقه به دلیل رقابت بازیگران متعدد، ایران باید به دنبال نقش فعال و اثرگذار در منازعات منطقه باشد تا از این رهگذر بتواند منافع ملی را پیگیری نماید.

به دلیل اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک منطقه قفقاز جنوبی و رقابت بازیگران متعدد در بحرانهای این منطقه پژوهش های زیادی پیرامون بحرانهای منطقه به ویژه بحران بر سر منطقه قره باغ صورت گرفته است که در این بخش به بررسی کوتاه برخی از آنها میپردازیم. یاووز و همکارش (۲۰۲۲) در کتاب مناقشه قره باغ کوهستانی؛ دیدگاههای تاریخی و سیاسی، مروری جامع از مناقشه قره باغ کوهستانی، اختلافات طولانی میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان را بیان میدارند و جنبه های سیاسی و اجتماعی این مناقشه را تشریح کرده و جنگ ۲۰۲۰ را که منجر به پیروزی جمهوری آذربایجان شد بررسی و ابعاد بین المللی را مورد بحث قرار میدهند. کتاب ۴ بخش و ۱۹ فصل است و به قلم نویسندگان مختلفی نگاشته شده و شامل مباحثی درباره پیشینه تاریخی مناقشه، خودمختاری قره باغ، ناسیونالیسم ارمنستان و جنبش قره باغ، شرق شناسی جمهوری آذربایجان، جنگ اول و پیامدهای آن، قطعنامه های سازمان ملل درباره قره باغ، سیاست آتش بس و اشغال، ارزیابی حقوق بین الملل درباره این مناقشه، جنگ دوم و علل و پیامدهای آن است و به نقش آمریکا در مناقشه، سیاست خارجی اسرائیل، ایران و کشورهای عربی در قبال مناقشه میپردازد. سامبال (۲۰۲۱) در کتاب تووز در قره باغ تحلیلی جامع از جنگ در جنوب قفقاز را با هدف ارائه تحلیلی جامع از جنگ دوم قره باغ نگاشته و تلاش دارد تا چالشها و تحولات و مخاطرات امنیتی در حال ظهور در قفقاز جنوبی را شناسایی و به شکست نهادهای بین المللی در دستیابی به حل مسالمت آمیز این بحران اشاره دارد.

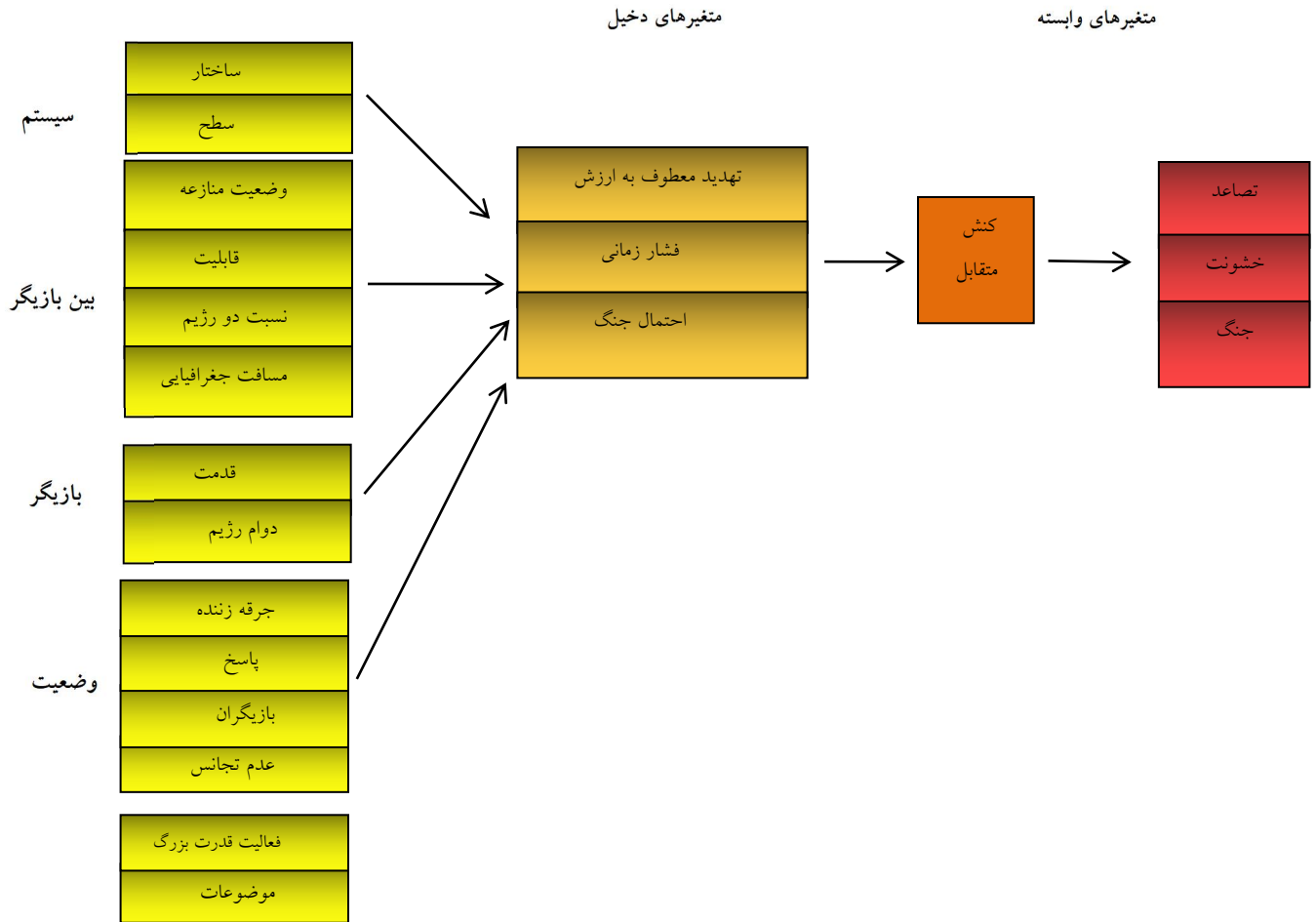
ابراهیمی و همکارش (۱۴۰۱) در مقاله گونه شناسی روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان روابط راهبردی یا تاکتیکی بر این باورند رویکرد دو بازیگر نسبت به یکدیگر با نگاه تاکتیکی و در راستای رسیدن به هدفهای راهبردی تفسیر پذیر است و بیان میدارند افزایش رویکرد تقابلی و تنش زا با آذربایجان از یک سو و تداوم تنش در قفقاز از سوی دیگر، میتواند به تعمیق بیشتر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل منجر شود. عباس زاده و همکارانش (۱۴۰۰) در مقاله تحلیل سازه انگارانه چرخش در سیاست خارجی ایران در برابر بحران قره باغ (۲۰۲۰) معتقدند سیاست خارجی ایران با تاثیر عواملی چون ایدئولوژی اسلامی شیعی، حمایتهای داخلی آذریهای ایران از جمهوری آذربایجان به سمت جمهوری آذربایجان متمایل گشته، اما بیان میدارند که این به معنای قطع روابط بین ایران و ارمنستان نخواهد بود و معتقدند نقش منطقه ای ایران ایجاب میکند با در نظر گرفتن دیدگاههای دو طرف و دوری از یک سو به نگرانی در حل و فصل بحران ورود کند و جایگاه خود را در منطقه ارتقا دهد. معراجی (۱۴۰۰) در مقاله تاثیر تعارضات هویتی در تشدید منازعات سیاسی؛ مطالعه موردی بحران قره باغ، بیان میدارد در مناطقی که دارای تنوع در هویتها، مذهبی، قومی، فرهنگی، زبانی و تاریخی هستند، مساله تساهل و پذیرش در یک چارچوب کلان که به همبستگی و همسویی در حل بحرانهای درون منطقه ای جهت ایجاد و حفظ امنیت پایدار بیانجامد، ضروری است. نویسنده بر آن است که تاکید بر تفاوتها هویتی موجب بازتولید فرهنگ خشونت میان دو کشور و سبب گسترش عدم سازگاری و نگاه امنیتی به مساله مورد اختلاف گردیده که ورود بازیگران خارجی هم منجر به تعمیق این نزاع گشته و به کنشهای معطوف به خشونت دامن زده است. کلانتری و همکارش (۱۳۹۹) در مقاله اولویت بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها به دنبال بررسی پویتهای تهدیدزای جمهوری اسلامی از راه قفقاز برآمده اند و بیان میدارند که در قفقاز تهدیدات زیادی وجود دارد که میتوان در چارچوب راهبردهای پیشنهادی چالشها و تهدیدها را مهار کرد. گنج خانلو (۱۳۹۸) در مقاله راهبرد سیاسی ایران در حل مساله قره باغ، با تاکید بر تامین منافع ملی سعی دارد جهت حل مساله قره باغ با تکیه بر اشتراکات سیاسی راه حلی بیابد و بیان میدارد که همگرایی در منطقه قفقاز

باعث صلح و ثبات در منطقه بوده و این امر میتواند فرصتهایی را در اختیار ایران قرار دهد. در حالی که واگرایی در منطقه باعث بی ثباتی و ناامنی در مرزهای شمالی ایران شده و به ضرر ایران خواهد بود. فلاحی و همکارش (۱۳۹۶) در مقاله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، تهاجمی یا تدافعی؟ به دنبال بررسی برداشت بازیگران رقیب از رفتار ایران در قفقاز است و بیان میدارد علیرغم آن که رفتار ایران تدافعی است اما فضای حاکم بر سیاست خارجی ایران باعث گردیده که برداشتی تهاجمی از رفتار ایران شکل گیرد و بازیگران دیگر در مقابل ایران رویکرد بازدارندگی را بکار گیرند. دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۹) در مقاله سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، بیان میدارد قفقاز جنوبی به عنوان یک منطقه استراتژیک همسایه اهمیت و الویت بالایی در سیاست امنیتی ایران دارد و ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای با نفوذ، منافع و اهداف مشخص و معینی را در این منطقه ژئواستراتژیک پیگیری می کند. این مقاله سیاست امنیتی ایران در منطقه قفقاز را بحث و بررسی میکند و استدلال دارد برخلاف دیدگاه غالب در غرب، سیاست امنیتی ایران بر منافع اقتصادی و امنیتی مبتنی بر الزامات ژئوپولیتیک استوار است تا آرمان ها و ارزش های ایدئولوژیک. کولایی (۱۳۸۹) در مقاله جمهوری اسلامی ایران و ژئوپولیتیک قفقاز جنوبی، بیان میدارد پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای منطقه، ایران همکاریهای سیاسی و اقتصادی خود با منطقه را گسترش داد و با استقلال این جمهوریها، منطقه قفقاز در عرصه تماس و تقابل قدرتهای منطقه ای و جهانی قرار گرفت. مقاله به دنبال این پرسش که ایران چگونه از شرایط ناشی از فرصتهای ژئوپولیتیک ایجاد شده پس از استقلال این کشورها، بهره برده است به بررسی دگرگونی در روابط ایران با جمهوریهای قفقاز جنوبی، از دیدگاه عوامل ژئوپولیتیک موثر بر این روابط میپردازد، تا چگونگی استفاده از این ظرفیتهای روشن شود. آثار بخش ادبیات تحقیق، تنها بر سیاست امنیتی ایران در منطقه قفقاز و یا صرفاً بر عوامل ژئوپولیتیک تاکید دارد و نوآوری این پژوهش آن است که بیان میدارد اساساً بحران موجود در منطقه با توجه به حضور و رقابت قدرتهای بزرگ تصاعد و تداوم یافته و این امر محیط امنیتی ایران را با چالش روبرو ساخته و ایران باید بتواند با ایفای نقش فعال در حل منازعات منطقه، اثرگذاری بیشتری در منطقه ژئوپولیتیک قفقاز داشته باشد و از این رهگذر و به عنوان بازیگر بانفوذ و قدرتمند منطقه ای به منافع ملی دست یابد.

۲. چارچوب نظری

براساس مدل مدیریت بحران برچر، میتوان بحران را هم براساس بازیگر و هم بر حسب نظام بررسی کرد. این مدل بر مبنای شناسایی ۴ مرحله بحران استوار است. پیدایش، گسترش، کاهش و تاثیر. مرحله پیدایش، دوره ماقبل بحران است در این دوره هنوز تهدید گسترش نیافته و سیستم با تهدید اندکی مواجه شده و احساس نمیگردد که ارزشهای آن هنوز به طور جدی به مخاطره افتاده باشد. در مرحله گسترش، بحران در سیستم گسترش یافته و با شکنندگی شدیدتر و افزایش کیفی در احتمال مخاصمات نظامی مواجه است. شاخص گسترش، تغییر خشونت از سطح پایین به سطح بالا بوده و برخوردهای کوچک و کم اهمیت به برخوردهای جدی و بزرگتر تبدیل میگردد. در مدل برچر، عوامل زمینه ساز و تشدید کننده بحران عبارتند از: جغرافیا، وضعیت منازعه، عمر بازیگر بحران، مداخله قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای، سطح نظام بین الملل و قطب بندی.

نمودار شماره ۱: الگوی تصاعد بحران



در واکنش به تهدید، تصمیم گیرندگان در این مرحله براساس عناصر تهدید، زمان و غافلگیری نوع برخورد مناسب با بحران را تدارک میبینند. مرحله کاهش یا پایان بحران، زمانی شکل میگیرد که تبعات بحران برای متخاصمین و دیگر بازیگران مشخص گردد. کاهش بحران زمانی مشخص میگردد که مولفه هایی چون تهدید، فشار و احتمال جنگ عملیاتی دیگر وجود نداشته و یا طرفین متقاعد شوند که توافق برای پایان جنگ، برای آنها منفعت بیشتری دارد، و مرحله تاثیر بعد از بحران، آثار و عواقب بعدی بحران را در بر دارد که آثار بحران بر طرفین درگیر، نظام بین الملل و خرده سیستمها را مدنظر دارد. در این مرحله میراث برجای مانده از بحران توصیف و تبیین میشود و طرفین سود و زیان خود از بحران را ارزیابی میکنند. در مرحله گسترش بحران و با تصاعد بحران محیط امنیتی بی تردید با مخاطره روبرو خواهد شد از این روی، بررسی امنیت، جایگاهی محوری در روابط بین الملل دارد. بوزان استدلال میکند که مفهوم امنیت به صورت جدی، عمیق و دارای کاربردی چندگانه بوده و ابزار مفید نظری جهت مطالعه روابط بین الملل نسبت به قدرت و صلح است و امنیت تحت تاثیر فاکتورهای متفاوت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی قرار دارد. محیط امنیتی فضایی است که در آن بازیگران میتوانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از قابلیتهای موجود در محیط دسته بندی و امکان پیگیری آنها را تا رسیدن به هدف فراهم کنند. همچنین محیط امنیتی فضای مشخصی است از عناصر و اجزای حیاتی و امنیت ساز که موجب دفع تهدید و تسهیل در تحقق منافع امنیت ملی حاکم بر آن محیط می شود. (آقایی و نورعلی وند: ۱۳۹۸) محیط امنیتی همواره حامل تهدیدات و فرصتهایی است که دولتها به میزان موقعیت و منزلت شان از آن بهره میبرند. کشور ایران به لحاظ جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص خود، یکی از متغیرترین محیط های امنیتی را در سطح منطقه دارا است.

هر بحرانی یک وضعیت منازعه بین دو یا چند طرف مخاصمه را منعکس می کند (برچ: ۱۳۸۲) حکومت‌های دارای حاکمیت و اقتدار در فضای سرزمینی تحت کنترل خود، به دلیل تلاش برای بقای ملی و گسترش حوزه نفوذ و نیز دستیابی به منافع ملی خود، روابطی مبتنی بر تنش و منازعه را با همسایگان یا قدرتهای منطقه ای و جهانی دارند و در چنین حالتی نیز کشمکش و مشاجره میان آنها بروز می کند. (قربانی نژاد و دیگران: ۱۳۹۳) موقعیت ژئوپولیتیک کشورها در طول زمان و تحت تاثیر عواملی همچون جنگها، انقلابها، تحولات نظام بین المللی و نظام جهانی و تغییر در موازنه های قدرت همواره در حال تغییر و تحول میباشد. (اطه‌ری و جهانگیری: ۱۳۹۷) قفقاز با وجود منابع غنی و اهمیت استراتژیکی همواره از زمانهای بسیار دور تاکنون به عنوان یک واحد ژئوپولیتیکی کم نظیر در دنیا مطرح است و همیشه کانون توجهات بین المللی و مطمع نظر قدرتهای بیگانه در طول تاریخ قرار گرفته، به نحوی که این توجه طمع کارانه به همراه مشکلاتی که از نظر ساختار قومیت‌های گوناگون وجود داشته سبب شده که در منطقه تنش و عدم ثبات وجود داشته باشد. (نابیان: ۱۳۹۰) وجود رقابت‌ها و پیگیری منافع متضاد بازیگران متعدد در منازعات قفقاز سبب تصاعد و گسترش بحران گردیده است و مادامی که این رقابت‌ها در منطقه وجود دارد نمیتوان پایانی برای بحرانهای موجود متصور شد.

نقشه شماره ۱: نقشه ژئوپولیتیکی منطقه قفقاز جنوبی



Source: https://www.researchgate.net/figure/Geopolitical-map-of-the-Caucasus-region-with-study-area-delimitted-by-a-thick-line_fig1_320961941

۳. پیشینه بحران قره باغ

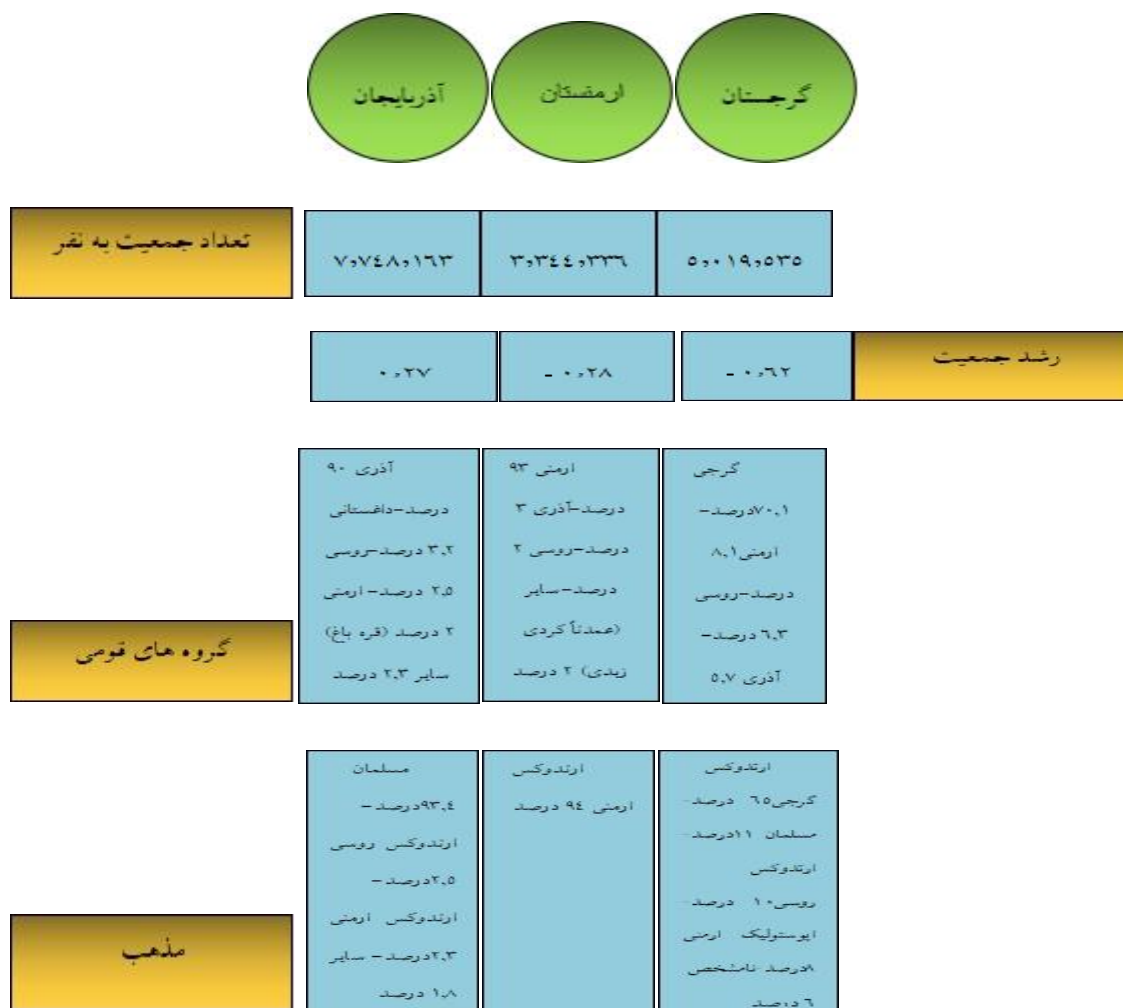
مناقشه قره باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان اتفاق افتاده است که این مناقشه از سال‌های پایانی عمر اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده و تاکنون ادامه یافته است و اکنون به دلیل موقعیت خاص ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی خاص منطقه و حضور بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای این مناقشه ابعادی گسترده و بین المللی پیدا کرده است. در سال ۱۹۸۸ ارمنه قره باغ طوماری به امضای نود هزار نفر خطاب به دیوان عالی شوروی تهیه کردند. در ارمنستان نیز توده‌ها از درخواست اهالی قره باغ حمایت کردند و سرانجام در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۸، مجلس قره باغ به اجماع رای به جدایی کامل قره باغ از جمهوری آذربایجان و پیوستن به ارمنستان را داد. (رشیدی، ملکی، ۱۳۹۸) منطقه قره باغ پس از جدایی از قلمرو سرزمینی ایران طی عهدنامه های گلستان و ترکمنچای به حاکمیت روسیه تزاری در آمد، از زمان الحاق قره باغ به روسیه در سال ۱۸۲۸ میلادی و به دنبال سیاست کوچاندن ارمنه از نقاط مختلف به قره باغ، جمعیت ارمنه در این سرزمین افزایش پیدا کرد. در سال

های پایانی حکومت تزارها به خصوص در سال ۱۹۱۵ پس از مهاجرت صدها هزار ارمنی به این منطقه درگیری میان ارمنه و آذربایها به تدریج نمودار شد. با شکل گیری اتحاد جماهیر شوروی، حکومت جمهوری آذربایجان در اعلامیه ای در سال ۱۹۱۹ قره باغ را بخشی جدایی ناپذیر از قلمرو سرزمینی خود اعلام کرد. مسکو در ابتدا با آن موافقت کرد ولی به موازات پیوستن ارمنستان به ساختار اتحاد شوروی به دلیل نزدیکی های قومی و مذهبی با ارمنستان نظر مسکو عوض شد و قره باغ را منطقه ای خودمختار اعلام کرد. سیال بودن سیاستهای جمعیتی و قومی شوروی در دوران استالین قره باغ را برای اسکان در اختیار قوم ارمنی قرار داد. پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی میان کشورهای برجای مانده از این فروپاشی اختلافات ارضی بروز پیدا کرد که مناقشه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان یکی از قدیمی ترین این اختلافهاست که تاکنون ادامه داشته است. با آغاز سال ۱۹۹۲ جنگ اول قره باغ شدت بیشتری گرفت و در این دوران تلاشهای بین المللی برای میانجگری و برقراری آتش بس میان طرفین درگیر صورت گرفت اما هیچ یک از طرفین نسبت به آتش بس پایبند نبودند و این درگیری به منازعه ای منجمد تبدیل شد که میتوانست با هر بهانه ای به درگیری مجدد نظامی بین طرفین منجر شود کما آن که سرانجام در سال ۲۰۲۰ درگیری میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان تحت عنوان جنگ دوم قره باغ از سر گرفته شد.

۱-۳. تکثر هویتها و منازعات هویتی در قفقاز جنوبی

هویت هر ملتی در درجه نخست، زاینده محیط جغرافیایی، فرهنگ حاکم و آداب و سنن اجتماعی آن ملت است. هر ملتی الگوهای رفتار منحصر به فرد خود را دارد که برای ملل دیگر با فرهنگی دیگر، بیگانه است. هویت هر ملت زمینه پایداری آن را فراهم میکند از این رو هرگونه خلل و آسیب به هویت یک ملت میتواند ساز بروز بحرانهای ناپایداری در آن ملت و یا کشور گردد. قفقاز جنوبی دارای مذاهب و هویتهای گوناگون است و به دلیل این تکثر و تنوع قومی و مذهبی نتوانسته به طور کامل فرآیند دولت سازی را تکمیل نمایند. کشورهای قفقاز جنوبی دچار مشکلات زیادی همچون اختلافات قومی، بی ثباتی سیاسی، اختلافات مرزی، تورم، بیکاری، فقر و ... میباشند که طی نشدن روند صحیح دولت ملت سازی از عوامل اثرگذار در مناقشات این منطقه است. ارمنه، آذربایها و گرجیها ۳ گروه قومی اصلی این منطقه هستند که جمعیت اصلی کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان را تشکیل میدهند. ارمنه به زبان ارمنی تکلم می کنند و پیرو آیین مسیحیت اند، آذربایها به زبان ترکی تکلم می کنند و اکثراً مسلمانند و گرجیها نیز به زبان گرجی تکلم می کنند و بیش از ۹۵ درصد آنها مسیحی ارتدوکس اند و هر سه کشور از اقلیتهای متعدد قومی برخوردارند. (رسولی و روستایی: ۱۳۹۶) تکثر جغرافیایی در کنار تکثر هویت قومی، زبانی و دینی در قفقاز جنوبی موجب گشته تا هویتهای گوناگونی در سطح منطقه بدون توجه به مرزهای سیاسی کشورها شکل گیرد. روند آتی درگیری های قومی در مناطقی مانند قفقاز جنوبی که دارای گروههای قومی متعدد و در بسیاری از موارد متخاصم هستند، تا حد بسیاری به اصلاح و تغییر نگرشهای تاریخی برآمده از حافظه جمعی و تلاش در راستای بهره مندی از نقاط اشتراکی که در طول سالیان بستر همزیستی این اقوام را شکل داده اند، بستگی دارد. (کولایی و خوانساری فرد: ۱۳۹۸)

نمودار شماره ۲: توزیع هویت‌های مختلف در کشورهای قفقاز جنوبی



Source: Afshordi, 2002.

۴. رقابت های منطقه ای و فرامنطقه ای در بحرانهای قفقاز

پس از فروپاشی شوروی، منطقه قفقاز جنوبی به دلیل ویژگی های ژئواستراتژیکی قابل ملاحظه، به عرصه تقابل منافع متفاوت و اغلب متضاد اقتصادی و سیاسی بازیگران مختلف تبدیل شده که براساس این رقابتها همواره شاهد ادامه پیدا کردن بحرانها در منطقه به جای حل و فصل آنها بوده ایم. براساس نظریه قلب زمین مکیندر قفقاز جنوبی منطقه ای است که تسلط بر آن به دلیل موقعیت بسیار مهم منطقه دارای اهمیت میباشد و به همین روی شاهد حضور قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در قفقاز جنوبی و رقابتهای میان این قدرتها در منطقه هستیم. با حضور بازیگران متعدد در این منطقه و در راستای رقابت میان آنها وضعیت نه صلح و نه جنگ در منطقه وجود داشته و به تداوم بحران منجر شده و رقابت این بازیگران با هم بیشتر به واگرایی منطقه منجر گردیده تا همگرایی آن.

آمریکا به عنوان قدرتی بین المللی و برحسب منافع خود در این منطقه و در رقابت با سایر بازیگران به عنوان یکی از روسای گروه مینسک، فعالیتهای مربوط به حل و فصل بحران قره باغ را پیگیری کرده و نیز بحران انرژی پدید آمده در اروپا ناشی از تحریم روسیه پس از اقدام نظامی روسیه در اوکراین موجب اهمیت یافتن کشورهای صادرکننده انرژی از جمله جمهوری آذربایجان برای آمریکا و غرب گشته است.

در رقابت بین قدرتهای بزرگ در قفقاز بی تردید روسیه از بازیگران اصلی است که به دنبال ایفای نقش مسلط و تعیین کننده در بحران است کما اینکه در درگیریهای اخیر توانست این نقش را به خوبی ایفا کند و زمینه امضاء قرارداد آتش بس میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را فراهم آورد. روسیه به دنبال بازگرداندن تسلط و تفوق دیرینه خود و ایفای نقش هژمون در این منطقه است. به طور کلی روسیه با سیاستهای مداخله جویانه در زمینه انرژی سعی داشته هم کشورهای قفقاز جنوبی و هم غرب را تحت تاثیر قرار دهد و از بی ثباتی مدیریت شده در منطقه در راستای منافع خود استفاده کند. (رشیدی و ملکی: ۱۳۹۸). علیرغم درگیری روسیه در اوکراین و تلاش غرب برای ایجاد روند صلح در قفقاز، روسیه در تلاش است تا این روند صلح را به دلیل منافع ژئوپولیتیک خود مختل کند تا بتواند رقبای خود را از منطقه دور نگه دارد.

بازیگر دیگر که در منطقه مداخله دارد ترکیه است که به دنبال منافع اقتصادی و بهره برداری از فرصتهای اقتصادی موجود در منطقه است و روابط تجاری خوبی با جمهوری آذربایجان دارد همچنین ترکیه دارای روابط خوبی با گرجستان است و در تحولات اخیر و در پی سیاست نوعثمانیسم و تحت تاثیر محیط ادراکی روانشناختی خاص اردوغان برای احیاء امپراتوری عثمانی، با بهره بردن از اشتراکات فرهنگی و زبانی با جمهوری آذربایجان در قالب اندیشه پان ترکیسم در کنار جمهوری آذربایجان برای مقابله با ارمنستان قرار گرفت و جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر از نیروهای تکفیری - سلفی ترکیه در سوریه استفاده کرد. فروپاشی شوروی و فاصله گرفتن از مرزهای روسیه این امیدواری را برای ترکیه به وجود آورد که با استقلال عمل بیشتر در سیاست خارجی بتواند با ایجاد پیوند میان جمهوریهای ترک زبان نواستقلال، در جهان ترک یکپارچگی به وجود آورد. (سلطانی نژاد و دیگران: ۱۳۹۵) اکتشاف انرژی، اهمیت قفقاز را برای ترکیه دوچندان کرده و این امر از عوامل مهم در سیاست قفقازی ترکیه است، هدف ترکیه در قفقاز مسئله انرژی و رهبری شورای کشورهای ترک زبان است.

کشور دیگر اثرگذار در تحولات اخیر، اسرائیل است که از روابط خوبی با جمهوری آذربایجان بهره مند است و اهداف خاصی را در منطقه دنبال میکند، علاوه بر اهداف اقتصادی و فروش اسلحه - به عنوان دومین فروشنده تسلیحات به جمهوری آذربایجان- اهداف عمده سیاسی از جمله اعمال فشار به ایران با حضور و استقرار در نزدیکی مرزهای شمالی ایران را دنبال میکند که استفاده جمهوری آذربایجان از کارشناسان و تجهیزات اسرائیل در این کشور موجب نگرانی هایی برای تهران شده است. جنگ دوم قره باغ، اولین جنگ تاریخ است که عمدتاً توسط سیستمهای بدون سرنشین به پیروزی رسیده و جمهوری آذربایجان در این جنگ با همراهی ترکیه و حمایت فنی اسرائیل، ارمنستان را از نظر استراتژیک منزوی کرد و با استفاده از پهپادهای ترکیه و تجهیزات اسرائیل زمینه پیروزی و تسلط بر جنگ را فراهم نمود.

در تحولات اخیر منطقه، مثلث جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل برای ایجاد تغییرات ژئوپولیتیک به ضرر ایران شکل گرفت و این موضوع فرصتهایی را برای این کشورها فراهم کرد. در جنگ ۴۴ روزه جمهوری آذربایجان و ارمنستان که به امضای توافق میان آنها با کنشگری روسیه انجامید، ترکیه و اسرائیل با حمایت نظامی از جمهوری آذربایجان در کنار این کشور قرار گرفتند و توانستند جایگاه خود را در منطقه پررنگ و محکم کنند و جمهوری آذربایجان توانست با حمایتهای ترکیه و اسرائیل بر ارمنستان پیروز و بخشهایی از سرزمینهای اشغالی اش را بازپس گیرد.

5. بررسی بحران قره باغ از منظر مدل بحران مایکل برچر

در مرحله پیدایش بحران، عدم تهدید یا تهدید اندکی که ارزشها را هدف قرار میدهد احساس میشود. قدیمی ترین زمینه پیدایش بحران قره باغ، در زمان ورود روسها به این منطقه بعد از عهدنامه های گلستان و ترکمنچای اتفاق افتاد. زمانی که روسها وارد منطقه قره باغ شدند، اکثریت جمعیت این سرزمین را ترکهای مسلمان تشکیل میدادند اما پس از تسلط روسیه برتری جمعیتی این سرزمین به نفع مسیحیان ارمنی تغییر پیدا کرد. (بدین و دیگران: ۱۴۰۰) سیاستهای جمعیتی شوروی منجر به پیدایش بحرانهای هویتی در این منطقه شد که تا امروز ادامه داشته و با ایجاد تنش و تصاعد آن در منطقه شاهد رویارویی نظامی میان دو کشور هستیم. کشورهایی که در قلمرو حاکمیتی اتحاد جماهیر شوروی زندگی می کردند بر سر تقسیم بندی خاک آن کشور عظیم با هم اختلافهایی داشتند و پس از جنگ سرد، تقسیم و تجزیه شوروی، آن اختلافها به اختلافاتی ارضی بین کشورهای مستقل تبدیل شد که مناقشه و اختلاف میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان یکی از قدیمی ترین این اختلاف هاست که تاکنون ادامه داشته است.

در مرحله گسترش بحران، با شکنندگی شدیدتر مواجه هستیم و احتمال مخاصمات نظامی افزایش پیدا میکند و در این دوره حداکثر فشار روانی وجود دارد که به جنگ منتهی می شود. جنگ اول قره باغ منجر به اشغال منطقه خودمختار قره باغ توسط ارمنستان و هفت شهر مجاور آن در منطقه بزرگتر قره باغ شد و جنگ خونین بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان رسماً شکل گرفت. خواسته ساکنان قره باغ جهت پیوستن به ارمنستان آغازگر جنگ شد. با حمایت دولت ارمنستان، رفتاری در قره باغ برگزار شد که طی آن بیشتر مردم خواستار کسب استقلال کامل از جمهوری آذربایجان شدند و این موضوع به نبرد مسلحانه میان دو کشور انجامید که موجب کشته و زخمی شدن و آواره گشتن گروه زیادی از مردم شد. سرانجام جنگ اول قره باغ با امضای آتش بس خاتمه یافت و در پایان، قره باغ و هفت منطقه دیگر از جمهوری آذربایجان به اشغال ارمنستان در آمد. علیرغم امضای آتش بس میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان پس از جنگ اول، هیچ پیمان صلحی میان طرفین درگیر منعقد نشد بنابراین به منازعه ای منجمد تبدیل شد که میتواند با هر بهانه ای به درگیری مجدد نظامی طرفین منجر شود که آنکه سرانجام در سال ۲۰۲۰ منازعه میان دو کشور مجدداً و تحت عنوان جنگ دوم قره باغ از سر گرفته شد.

مناقشه قره باغ ریشه ها و زمینه های تاریخی طولانی و عمیقی دارد، اما با فروپاشی شوروی این اختلافات وارد مرحله تازه ای شد و این مناقشه در سالهای پس از فروپاشی به بزرگترین مساله و چالش سیاست خارجی ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سالهای پس از استقلال مبدل گردید. پس از فروپاشی شوروی، منطقه قفقاز به دلیل ویژگیهای ژئواستراتژیکی قابل ملاحظه، به عرصه تقابل منافع بعضاً متعارض بازیگران مختلف تبدیل شد و رقابت میان آنها موجب تداوم یافتن بحران بجای حل آن شد. مداخله بازیگران متعدد در مسائل قفقاز در امنیت، ثبات و آینده این منطقه اثرگذار است و نقش مداخله جویانه برخی از این بازیگران در بحران، به جای توقف جنگ و تشویق طرفین به برقراری صلح، از عوامل تداوم منازعه محسوب میشود. در راستای رقابت بازیگران متعدد در منطقه وضعیت نه صلح و نه جنگ در منطقه ایجاد شده و این امر موجب واگرایی بیشتر و ادامه بحران شده است.

بلوک بندی با هدف ایجاد یک ائتلاف منطقه ای علیه یک کشور دیگر میتواند موجب تشدید بحران گردد. برای حل بحرانها و مدیریت آن باید شناخت کامل بحران و عوامل بحران را از سوی تصمیم گیرندگان صورت گیرد و برای داشتن جهانی عاری از خشونت باید الگوی همکاری-رقابت جایگزین مدل خصومت گردد. براساس مدل بحران برچر، در بحرانهایی

که تصمیم گیرندگان برای حل بحران متعدد باشند خشتی ساختن بحران و مصالحه دشوارتر است زیرا تضاد منافع میان بازیگران وجود دارد که موجب دشواری حل کردن اختلافات میشود. بحرانهای موجود در قفقاز، به جهت موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه و به دلیل حضور و رقابت قدرتهای متعدد در آن، به جای حل و فصل، تداوم یافته و علیرغم وجود آتش بس اخیر، همواره این منطقه دستخوش بروز مجدد بحران است.

در بحران اخیر قره باغ، علائق ژئوپولیتیکی ترکیه در قفقاز و دریای خزر و نقش آفرینی آن در جنگ به نفع جمهوری آذربایجان، نفوذ سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل در قالب شرکتهای اقتصادی و لجستیکی در جمهوری آذربایجان و استفاده از نیروهای سلفی جهادی در جنگ قره باغ توسط ترکیه و جمهوری آذربایجان از مولفه های اثرگذار بر روند تحولات آینده است که در تحلیل امنیت ملی ایران اهمیت بسزایی دارد. با توجه به رویدادهای اخیر میتوان گفت محیط امنیتی ایران دچار تاثیرات منفی این رویدادها گشته و روسیه به عنوان قدرت اثرگذار در منطقه، نسبت به تحركات نظامی ترکیه در این منطقه چراغ سبز نشان داده و دلیل آن نیز منافع اقتصادی از جانب ترکیه برای روسیه خواهد بود و ترکیه و روسیه در منطقه الگوی همکاری-رقابت را دنبال میکنند. در سیاست بین الملل، کشورهایی که بتوانند در روابط خود از این الگو استفاده کنند میتوانند برنده باشند. در منازعه اخیر قره باغ، روسیه به دلیل ماهیت غربگرای رئیس جمهور ارمنستان، خشتی عمل کرد و نهایتاً با تصاعد منازعه توانست با ایجاد آتش بس میان دو کشور حضور نیروهایش در منطقه را تثبیت کند.

دگرگونی ژئوپولیتیکی قفقاز استراتژی بود از سوی جمهوری آذربایجان، ترکیه و اسرائیل که اهداف گوناگونی از این تحولات داشتند. جمهوری آذربایجان به دنبال جبران شکست جنگ با ارمنستان و بازپس گیری سرزمینهای اشغالی از ارمنستان بود، ترکیه در پی سیاست نوعثمانیزم اردوغان، به دنبال رویای تشکیل حکومت گسترده از مرزهای چین تا اروپا بوده و این موضوع را از طریق اشتراکات زبانی با جمهوری آذربایجان و در قالب آرمان پان ترکسیم و از راه فرهنگی و اقتصادی پیگیری میکند و در نهایت اسرائیل به دنبال اعمال فشار به ایران از طریق حضور نظامی در مرزهای شمالی ایران و نیز صادرات اسلحه به جمهوری آذربایجان است. در مقابل همکاری میان این بازیگران، دیپلماسی و سیاست خارجی ایران نقش فعالی را در تحولات اخیر ایفا نکرد و سیاستی غیرفعال را پیش گرفت و میدان را به روسها و ترکها واگذار کرد، در حالی که میتوانست حضوری اثرگذار در این عرصه داشته باشد. رقابت بازیگران متعدد در بحران منطقه سبب تداوم یافتن بحران به جای حل آن بوده و تداوم بحران، ثبات و امنیت منطقه را با چالش مواجه ساخته و عدم ثبات و امنیت مانع از شکل گیری همکاریهای منطقه ای در زمینه های سیاسی و اقتصادی شده و علیرغم وجود آتش بس، مرحله کاهش بحران تا دستیابی به یک صلح پایدار به وجود نخواهد آمد و هر عامل جرقه زننده ای میتواند به شروع مجدد درگیریها منجر شود.

۶. آثار و پیامدهای بحران قره باغ بر محیط پیرامونی امنیتی جمهوری اسلامی ایران

قفقاز جنوبی در حوزه تمدنی ایران و دارای اهمیت استراتژیک برای ایران است و هرگونه تغییر و تحول در این حوزه میتواند بر امنیت ایران اثرگذار باشد و تحولات اخیر موجب شد تا ارمنه بخش بزرگی از مرز خود با ایران را از دست بدهند و نیروها و تجهیزات اسرائیل در جوار مرزهای ایران مستقر شوند. در صورت تداوم بحران در منطقه احتمال آن میرود که امنیت مرزی شمال غربی کشور خدشه دار شود و ضمناً ایران از حضور بالقوه اسرائیل در نزدیکی مرزهای خود نگران است. همچنین تحولات اخیر در مرز جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر تبادلات تجاری ایران اثرگذار است و از نگرانی های

ایران و ارمنستان احتمال ناامنی مسیر ترانزیت میان دو کشور است. در تحولات اخیر قره باغ میتوان گفت که ایران دیپلماسی غیرعملگرایی را پیش گرفت و ترکیه و اسرائیل در قالب حمایت‌های تسلیحاتی و نظامی از جمهوری آذربایجان حضور خود در منطقه را پررنگ نمودند و از جمهوری آذربایجان برای پیشبرد منافع خود حمایت کردند. ایران باید با حفظ نقش و سیاست بی طرفانه اما فعالانه تر از قبل در حل مناقشات منطقه اقدام نماید تا در آینده با گسترش درگیریها، ثبات امنیتی منطقه و ثبات مرزی ایران را حفظ نماید. عوامل ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه و هرگونه تغییر، به طور مستقیم و غیرمستقیم با ایجاد مسائلی مانند بی ثباتی، منازعات داخلی، مناقشات قومی و نفوذ قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای بر ابعاد سیاسی نظامی امنیت ملی ایران اثرگذار و موجب تهدیدات و آسیب پذیری امنیت ملی ایران است. علیرغم داشتن اهمیت ژئوپولیتیک منطقه قفقاز برای ایران و با وجود اشتراکات فرهنگی ایران با کشورهای منطقه، دیپلماسی ایران نسبت به این بحران غیرعملگرایانه و منفعلانه بوده است. تحولات اخیر قره باغ و منازعه میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان در قفقاز، فرصتها و تهدیداتی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است که ایران باید بتواند هوشمندانه از فرصتهای موجود بهره برده و بتواند تهدیدات ناشی از این تحولات را به حداقل کاهش دهد.

از آنجا که منازعه میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قره باغ و در مرزهای ایران صورت گرفته، تداوم و تشدید منازعه طبعاً امنیت سیاسی ایران را با چالش روبرو میسازد. از آثار تشدید منازعه ناامنی منطقه خواهد بود و فرصتی برای نفوذ و دخالت بازیگران خارجی به وجود می آورد که رقابت این بازیگران و در پی دستیابی به اهداف و منافع خود منجر به ایجاد اتحادها و ائتلافهایی در منطقه خواهد شد که میتواند امنیت سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. حضور قدرتهای رقیب در قفقاز نه تنها سبب ایجاد نگرانیهای امنیتی و ژئوپولیتیکی برای ایران شده، بلکه ضرورت بهره برداری از فرصتهای موجود را برای ایران دو چندان کرده است. (امیری و فلاحی: ۱۴۰۱) برخلاف بازیگرانی مانند ترکیه و اسرائیل که با حمایت از جمهوری آذربایجان توانستند نقش و جایگاهی در منطقه پیدا کنند، ایران تحت تاثیر عوامل ژئوپولیتیک و رقابتهای منطقه ای با پیش گرفتن دیپلماسی منفعلانه نسبت به منازعات قره باغ ۲۰۲۰ نتوانسته نقش مهمی را جهت پیگیری منافع ملی خود، ایفا کند. قفقاز جنوبی بعد از آتش بس جنگ ۲۰۲۰، در حال گذار به نظم جدید ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی است که در آن بازیگران مهم منطقه ای در حال رقابت برای گسترش نفوذ و برعهده گرفتن نقشی فعال هستند. (گل محمدی و عزیزی: ۱۴۰۱)

نتیجه گیری

شناخت و درک ریشه ها و علل به وجود آمدن بحرانها و عواقب ناشی از آن و راههای مدیریت آن و تصمیماتی که در مواجهه با بحرانها گرفته میشود میتواند در جلوگیری از بروز و به حداقل رساندن و کاهش آثار منفی موثر باشد. در واقع بحران تهدید جدی نسبت به ارزشها و اهداف طرف دیگرست و واکنش فوری را در پی دارد که زمان، شیوه تصمیم گیری و مدیریت بحران از اهمیت بالایی برخوردار است. تداوم مخاصمه میان طرفین درگیر توقع رفتار خشونت بار را در آینده ایجاد می کند بنابراین در یک منازعه ممتد انتظار تکرار خشونت وجود دارد. دولتها تحت تاثیر منافع و اهداف، در حالت همکاری و تعارض با همدیگر هستند، بنابراین شاهد همکاریها، تضادها و رقابتهای در عرصه های گوناگون سیاست بین الملل هستیم و همکاری مبتنی بر همکاریها و همگونی منافع و واگرایی بر وجود تضاد و تعارض منافع مبتنی است و تاکید خود را بر روی واحدهای سیاسی و حاکمیت های جداگانه با منافع ناهمگون میگذارد ساختار سیاسی بین الملل و وجود دولت های مستقل با حاکمیت های جداگانه زمینه ساز مناقشات میگردد. بنابراین تلاش برای صلح و همکاری میان دولتها میتواند از بروز و تصاعد بحرانها بکاهد. در الگوی رقابت- همکاری اگر دولتها در جهت رفع تضاد منافع تلاش کنند و شاهد شکلگیری

همکاریها میان دولتها باشیم قطعاً احتمال بروز بحران و یا در صورت بروز آن شاهد تصاعد آن کمتر خواهیم بود اما زمانی که تضاد منافع و رقابت میان دولتها بر سر دستیابی به منافع وجود دارد، همواره روابط میان دولتها، قهرآمیز و تعارضی است و در این وضعیت دو طرف تلاش میکنند تا به اهداف خود نائل شوند و همین تلاش برای رسیدن به اهداف، منجر به تعارض و در نهایت سبب نزاع و درگیری شده و همین تضادها به گسترش و تصاعد بحران منجر میشود. بدترین منازعات در جوامع موزائیک قومی صورت میگیرد که دچار تضاد و ناهمگونی های بیشماری هستند. در منطقه قفقاز به دلیل تضاد هویتها و همچنین رقابت بازیگران متعدد در منطقه همواره بحرانهای موجود حل نشده باقی مانده و به جای فیصله یافتن با تصاعد بحران روبرو خواهیم بود و هر عاملی سبب شدت گرفتن درگیریها خواهد بود. در منطقه قفقاز و در ارتباط با بحران قره باغ، تداوم بحران ناشی از حضور بازیگران مختلف، نیازمندی به دیپلماسی های پیچیده تر و افزایش همکاری های منطقه ای را به عنوان اولویت های اصلی برای مدیریت چالش های امنیتی پیش روی ایران مطرح می کند. ایران در ارتباط با قفقاز میتواند یا در قامت قدرتی منطقه ای ظاهر و با تدوین برنامه ای عملیاتی از موقعیتهای موجود در منطقه بهره برده و برای حضور موثر در رقابتهای منطقه به ائتلاف با قدرتهای حاضر در منطقه مبادرت ورزد و یا آنکه بر این باور باشد که رقابت و حضور غربیها در منطقه توانایی اعمال نفوذ ایران در منطقه را کاهش داده و تهدیداتی در منطقه پیش روی ایران قرار گرفته است. نظر به همسایگی ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، وضعیت قفقاز از نظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران مهم است و نقش فعال ایران در ایجاد صلح و رفع مناقشات منطقه ای و گسترش همکاریهای منطقه ای از جمله اولویت های ایران در مجموعه اهداف و منافع ملی آن میباشد. بحران قره باغ، به دلیل نزدیکی به مرزهای ایران و وجود آذریها و اقلیت ارامنه در ایران و نیز روابط ایران با این کشورها همیشه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بوده و قفقاز جنوبی به عنوان منطقه استراتژیک در همسایگی کشور، از اهمیت و الویت بالایی در سیاست امنیتی ایران برخوردار است و ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای با نفوذ، منافع و اهداف مشخصی را در این منطقه ژئواستراتژیک پیگیری میکند. ایران باید با تاکید بر تامین منافع ملی، تلاش نماید تا جهت حل مساله قره باغ، با تکیه بر اشتراکات سیاسی راه حلی بیابد، زیرا همگرایی در منطقه قفقاز باعث صلح و ثبات در منطقه شده و تصاعد بحران را کاهش میدهد و این امر فرصتهای زیادی را در اختیار ایران قرار میدهد. در حالی که واگرایی در منطقه باعث بی ثباتی و ناامنی در مرزهای شمالی ایران شده و طبیعتاً به ضرر ایران خواهد بود. مداخله بازیگران متعدد در منطقه و تعارض منافع آنها با یکدیگر موجب شده این بحران نتواند به یک صلح پایدار برسد و حضور نیروهای نظامی در منطقه قره باغ، منطقه را امنیتی ساخته و امنیتی بودن و بی ثباتی منطقه، مانع از همبودگی سیاسی و اقتصادی و پیگیری منافع ایران میشود. با توجه به رقابت قدرتهای بزرگ و دنبال کردن منافع متضاد آنها در قفقاز، احتمالاً تحولات قره باغ در سال ۲۰۲۰، آخرین تحولات منطقه نخواهد بود و منطقه قفقاز همواره آبستن حوادث و گسترش بحران است و ایران باید با حفظ نقش و سیاست فعالانه تر از گذشته در حل اختلافات منطقه نقش آفرینی کند تا در آینده و در صورت ادامه درگیریها، ثبات امنیتی منطقه و ثبات مرزی ایران در خطر قرار نگیرد و با تاسیس یک ساز و کار مستقل، بتواند تجربه های ناموفق گذشته را اصلاح کند. تداوم بحران و عدم حل و فصل آن، می تواند تهدیدات جدی برای امنیت ملی ایران ایجاد کند، بنابراین اتخاذ یک رویکرد جامع و هوشمندانه در سیاست های امنیتی و سیاست خارجی ایران برای ثبات و امنیت پایدار منطقه و در جهت حفظ منافع ملی کشور حائز اهمیت فراوان می باشد.

References:

- Abbaszadeh Fathabadi, Mehdi, Moeinabadi Bidgoli, Hossein, Doosthosseini, Mahdiye, (1400), **“Constructive Analysis of the Turn in Iran's Foreign Policy Towards the Nagorno-Karabakh Crisis (2020)”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 14, Number 2, pp. 225-246, (doi:10.22059/JCEP.2022.318774.449983), [in Persian].
- Aghaei, Davoud, Noor Alivand, Yaser, (1398), **“security environment and foreign and security policies; Presenting an analytical model”**, Strategic Public Policy Studies Quarterly, Volume 9, Number 33. pp. 22-2. (https://sspp.ir/journals.ir/article_4312.html), [in Persian].
- Afshordi, Mohammad Hossein, (1381), **Geopolitics of the Caucasus and Iran's Islamic state foreign policy**, first edition, Tehran, Guards Corps Command and Headquarters Academy, Research and Research Vice-Chancellor, [in Persian].
- Amiri, Mehdi, Falahi, Ehsan, (1401), **“Geopolonomics of Iran's Bilateral Relation with Armenia and the Republic of Azerbaijan from 2013 to 2021”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 15, Number 2, pp. 73-101, (doi:10.22059/JCEP.2023.333666.450039), [in Persian].
- Antal, John, (2022), **7 Second to Die: A Military Analysis of the Second Nagorno-Karabakh War and the Future of War fighting**, Casemate Publisher, Available <https://www.amazon.com/Seconds-Die-Military-Nagorno-Karabakh-Warfighting/dp/1636241239>, (Accessed on: 03/02/2022).
- Athari, Asadullah, Jahangiri, Saeed, (1397), **“Study on Iran's geopolitical change on foreign policy (before and after the Islamic Revolution)”**, Political Strategy Quarterly, second year, number 6, pp. 55-77. (doi:20.1001.1.25884565.137.2.6.3.7), [in Persian].
- Athari, Asadullah, Rahmani, Fatemeh, (1401), **“The study of the relationship between Iran and Azerbaijan; Challenges and Opportunity”**, National Interest Studies Journal, Volume 7, Number 30, , pp. 49-77, [in Persian].
- Brecher, Michael, (1382), **Crisis in World Politics, Rise and fall of crisis**, translator: Baluchi, Heydar Ali, First volume, Tehran, Strategic Studies Research Center, [in Persian].
- Brecher, Michael, (1382), **Crisis in World Politics, findings and case studies**, translator: Qureshi, Mirfardeen, second volume, Tehran, Strategic Studies Research Center, [in Persian].
- Dehghani Firouzabadi, Jalal, (1389), **“Security Policy of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus”**, Geopolitics Quarterly, No. 1, pp. 208-239, (doi:20.1001.1.17354331.1389.6.17.7.3), [in Persian].
- Ebrahimi, Morteza, Osuli Odlu, Qasem, (1401), **“The Typology of Relations between Israel and the Republic of Azerbaijan: Strategic or Tactical”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 15, Number 2, pp. 23-48, (doi:10.22059/JCEP.2023.347626.450096), [in Persian].
- Ebrahimi, Shahrooz, Kheiri, Mostafa, (1397), **“Analysis of Russian Interests in the Caucasus Region (Case Study: Karabakh Crisis)”** Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 11, Number 2, pp. 265-282, (doi:10.22059/JCEP.2019.234286.449709), [in Persian].

-Falahi,Ehsan,Omidi,Ali, (1396), **“The foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus,offensive or defensive?”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 11, Number 2,pp.417-433,(doi:10.22059/JCEP.2019.231482.449701),[in Prsian].

- Ganj Khanlou, Javad, (1398), **“Iran's political strategy in solving the Karabakh problem with an emphasis on securing national interests”**, bi-monthly specialized scientific journal of research in art and specialized sciences, number 7,pp.35-45,(magiran.com/p2081853),[in Prsian].

- Ghorbaninejad, Ribaz, Hafez Niya, Mohammad Reza, Ahmadipour, Zahra, Qavam, Abdul Ali, (1393), **“Study of the concept of conflict in the theories of international relations and geopolitics”**, Strategy chapter, year 23, number 70,pp.265-291,(http://ensani.ir/fa/article/336823),[in Prsian].

- Golmohamadi,Vali,Azizi,Hamidreza,(1401),”**The South Caucasus Regionalism of Iran's Foreign policy**”Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 15, Number 1,pp.281-305,(doi:10.22059/JCEP.2022.345811.450084),[in Prsian].

-Kalantari,Fathollah,Kavianifar,Peiman, (1399), **“Prioritize the Threats toward the Islamic Republic of Iran through Southern Caucasus:Strategies and Countermeasures ”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 13, Number 2,pp.623-644,(doi:10.22059/JCEP.2020.301239.449920),[in Prsian].

-Kolae, Elahe,Khansarifard,Fahimeh, (1398), **“Historical narratives and collective memory;Creating an identity or intensifying ethnic conflicts in the South Caucasus”**, Scientific Quarterly of World Politics,Volume 8,Number3,pp.75-104,(doi:wp.2020.15284.2377/10.22124),[in Prsian].

-Kolae, Elahe,Nezami,Maryam, (1398), **“Pan-Turkism,Construction of Identity and the Formation of the Republic of Azerbaijan (1890-1920)”**, Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 12, Number 2,pp.459-478,(doi:10.22059/JCEP.2019.117370.449567),[in Prsian].

-Kolae, Elahe, (1389), **“Islamic Republic of Iran and Geopolitics of South Caucasus”**, Geopolitics Quarterly, 6th year, 1st issue,pp.75-111,(doi:20.1001.1.17354331.1389.6.17.3.9),[in Prsian].

- Mearaji, Ebrahim, (1400), **“The impact of identity conflicts in the escalation of political conflicts: a case study of the Karabakh crisis”**, Middle Eastern Studies Journal, No. 104,pp.7-22,(magiran.com/p2384520),[in Prsian].

- Momeni,Majidreza,Rahimi,Omid,(1395),”**Iran-Israel Confrontation and Its Impact on the Expansion of Israel and Azerbaijan Political-Security Relations**”Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 10, Number 2,pp.415-431,(doi:10.22059/JCEP.2018.210209.449655),[in Prsian].

- Naibian, Jalil, (1390), **“A View on the Geopolitical Developments of Iran's Neighboring Regions (Central Asia, Caspian and Caucasus)”**, Tabriz University Faculty of Literature and Humanities Journal, Spring and Summer, No. 2,pp.167-19,(https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/issue_107_111.html),[in Prsian].

- Nosrati,Shahryar,Akhbari,Mohamad,Sarvar,Rahim,(1396),”**The Feasibility Study of the Convergence of Iran and Azerbaijan and Turkmenistan in the 21st Century and the Presentation of Strategic Model with Lasting Peace Approach**”Central Eurasian

Studies Quarterly, Volume 10, Number 2, pp.449-466,(doi:10.22059/JCEP.2018.137539.449618),[in Persian].

-Pedin, Mohammad, Gholami, Korosh, Kivani Mehr, Leila, (1400),” **Karabakh war and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran**”, the first conference on law, political science and humanities,code:COI,exclusive:LPHCONF01-037,(<https://civilica.com/doc/1217552>),[in Persian].

- Rasouli Saniabadi, Elham, Roostaei, Mojtaba, (1397), "**Patterns of friendship and enmity and crises in the South Caucasus**", Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 11, Number 1,pp.123-139,(doi:10.22059/JCEP.2018.225771.449692),[in Persian].

- Rashidi, Ahmed, Maleki, Mari, (1398), “**Russia's interests and crises in the South Caucasus region**”, Journal of Politics and International Relations, Volume 3, Number Five,pp.50-71,(<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1677422>),[in Persian].

Siri,Neset,Aydin,Mustafa,Ergun,Ayca,Giragosian,Richard,Kakachia,Kornely,(2023),**Changing Geopolitics of the South Caucasus after the Second Karabakh War.Prospect for Regional Cooperation and/or Rivarly** , Chr.Michelsen Institute (CMI Report 2023:4)72p. Available <https://www.cmi.no/publications/8911>.,(Accessed on:Sep 2023).

- Soltaninejad,Ahmad,Salamatazar,Rahim,Osuli,Ghasem,(1395),”**Provision of a divergent part of Turkiye in the relations between Iran and the Republic of Azerbaijan**”Central Eurasian Studies Quarterly, Volume 9, Number 2,pp.289-308,(doi:10.22059/JCEP.2016.2016.60542),[in Persian].

- Soraya, Jamshid, (1389), “**Regional integration of South Caucasus; Obstacles and challenges from the perspective of the Islamic Republic of Iran**”, Journal of International Relations Studies, Autumn, No. 12. pp.169-197,(https://prb.ctb.iau.ir/data/prb/coversheet/cover_fa.jpg),[in Persian].

-Sumbal, Malik Ayub,(2021),**Tovuz Karabakh: A Comprehensive Analysis of War in South-Caucasus**, Independent Publisher, Available <https://www.amazon.com/Tovuz-Karabakh-Comprehensive-Analysis-South-Caucasus/dp/9692357406>,(Accessed on:21/03/2021).

- Yavuz,Hakan, Gunter,Michael,(2022),**The Nagorno-Karabakh Conflict;Historical and Political Perspectives**, Routledge publisher,Available at:<https://www.routledge.com/The-Nagorno-Karabakh-Conflict-Historical-and-Political-Perspectives/Yavuz-Gunter/p/book/9781032198569>,(Accessed on:01/07/2022).